

مردی شبیه سایه
گم خودش بود
دیروز آینه قورت اش داد
این آینه های گرسنه
تصویر آدم هارا
دُرسته قورت می دهند

تو می دانی
وجدان با آینه

چه فرق دارد؟

وجدان بی تصویر

مدام حرف می زند

آینه بی حرف

کرو لال تو را زیر اکس می کند.

۲

می بانم

می بافی

می بافد

مادرم با انگشت هایش می بافد شال گردنم را

پدرم کلمات را طوری قلاب می کند

که بی طعمه به صید خود در می آورد

... و من قلم به دست

الفبارابی آن که از شال گردن مادرم

ماهی گیری پدرم یاد بگیرم

می بافم می بافی می بافد

و این چسبندگی الفباست

که بی گره بافته می شود.